

جدول شماره ۱-۵

جدول مقایسه میانگین انحراف مانده تسهیلات اعطائی در بخشهای اقتصادی

میانگین انحراف	کشاورزی	مسکن و ساختمان	صنعت	بازرگانی و خدمات	
۸/۴۲					بازرگانی و خدمات
۴/۰۵				۲۷۱/۰۳ $p(۰/۳۱۳)$	صنعت
-۱/۳۵		۰/۸۵ $(۰/۴۰۲)$		۲/۰۴ $(۰/۰۵۱)$	مسکن و ساختمان
-۱۱/۲۶	۲/۴۰ $(۰/۰۲۳)$	۳/۶۷ $(۰/۰۰۱)$		۷/۵۰ $(۰/۰۰۰)$	کشاورزی

همانطور که در جدول شماره ۵/۱ ملاحظه می‌شود میانگین انحراف بخش کشاورزی بسیار کوچک است (۱۱/۲۶-) و عملکرد بانکها در این بخش از سایر بخشها با انحراف بیشتری مواجه می‌باشد و با استفاده از تست میانگین مبتنی بر آماره (t) چنین استنباط می‌شود که در مواردی که احتمال آماره (t) (داخل پرانتز) از ۱۰٪ کوچکتر است تفاوت میانگین انحرافات در بخشهای مربوطه از نظر آماری محسوس و معنی‌دار است لذا همانطور که در جدول مشاهده می‌شود بخش کشاورزی با تمام بخشهای اقتصادی تفاوت معنی‌دار دارد زیرا احتمال آماره t بخش کشاورزی با بخش خدمات و بازرگانی (۰/۰۰۰) و با بخش صنعت (۰/۰۰۱) و با بخش مسکن و ساختمان (۰/۰۲۳) می‌باشد که بسیار کوچک است.

ب - تحلیل آنالیز واریانس (بخش کشاورزی)

۱ - ب) متغیر وابسته: انحراف بانکها در تسهیلات اعطائی به بخش کشاورزی

متغیر مستقل: عامل سال (سالهای برنامه)

انحراف عملکرد بانکها در اعطای تسهیلات به بخش کشاورزی از مصوب قانون برنامه اول را در طی سالهای مختلف برنامه با استفاده از تست آنالیز واریانس مورد تحلیل قرار می‌دهیم تا معلوم شود که:

آیا میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان بوده است؟

یا میزان انحراف در برخی سالها از سالهای دیگر بیشتر می‌باشد. نتایج آنالیز واریانس که در جدول

زیر گزارش شده نشان می‌دهد که میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان نبوده است. آماره $F = 4.339$ با ضریب اطمینان نود درصد ($1 - \alpha = 0.90$) معنی‌دار است و فرضیه مساوی بودن میانگین انحرافات در بخش کشاورزی در طی سالهای برنامه رد می‌شود. که بیانگر عدم رعایت اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه طی سالهای برنامه توسط بانکها می‌باشد.

Variable KESH

By Variable SAL

ANALYSIS OF VARIANCE

Source	D.F.	Sum of Squares	mean Squares	F Ratio	F prob
Between Groups	4	806.2062	201.5516	4.3390	0084
Within Groups	25	1161.2808	46.4512		
Total	29	1967.4870			

طبق بررسی به عمل آمده میزان انحراف در سالهای اول برنامه به ویژه در سال ۶۹ بیشتر و از سال ۷۱ به بعد میزان انحراف کاهش یافته به طوری که در سال ۷۲ انحراف عملکرد کل سیستم بانکی در اعطای تسهیلات به بخش کشاورزی از مصوب و اهداف تعیین شده به حداقل رسیده است که به احتمال زیاد حاکی از نظارت بیشتر و دقیق‌تر بانک مرکزی ج ۱۰۱ نسبت به سالهای قبل می‌باشد. ۲- ب) = متغیر وابسته: انحراف تسهیلات اعطائی بانکها در بخش کشاورزی
متغیر مستقل: عامل بانک (بانکهای تجاری)
انحراف عملکرد هر یک از بانکهای تجاری از طریق آنالیز واریانس مورد آزمون قرار گرفته تا معلوم شود که:

آیا میانگین انحراف در بین بانکها یکسان بوده است؟

یا میزان انحراف بین بانکهای مختلف متفاوت بوده است.

نتایج آنالیز واریانس که در جدول زیر گزارش شده نشان می‌دهد که میانگین انحراف بانکها با توجه به آماره $F = 0.32$ با ضریب اطمینان نود درصد ($1 - \alpha = 0.90$) نشان می‌دهد که میانگین انحراف هر یک از بانکها در مجموع ۶ بانک تجاری مورد بررسی نسبت به یکدیگر در بخش کشاورزی تفاوت معنی‌دار نداشته و در واقع مبین این نکته است که انحراف همه بانکها از اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه تقریباً یکسان بوده است.

ONEWAY

Variable KESH

By Variable BANK

Analysis of Variance

			Sum of	Mean	F	F
	SOURCE	D.F.	Squares	Squares	Ratio	Prob
Between	Groups	5	123.1933	24.6387	3206	8956
Within	Groups	24	1844.2937	76.8456		
Total		29	1967.4870			

۲ - ۲ - آزمون فرضیه در مورد عملکرد بانکها در بخش خدمات و بازرگانی

به منظور ارزیابی و تحلیل آماری عملکرد بانکها در بخش خدمات و بازرگانی و مقایسه میانگین انحراف بخش خدمات و بازرگانی با سایر بخشهای اقتصادی در سالهای برنامه فرضیه مورد نظر را با استفاده از تست میانگین و تحلیل آنالیز واریانس در بخش خدمات و بازرگانی مورد آزمون قرار می دهیم:

الف) تست میانگین (در بخش خدمات و بازرگانی):

با استفاده از جداول تسهیلات بخشی نسبت به تشکیل جدول مقایسه میانگین انحراف بخشهای اقتصادی اقدام و با درج میانگین انحراف مربوط به کلیه بانکها و در کلیه سالهای برنامه در جدول شماره ۵/۱ تست میانگین بر روی انحراف بخشی مبتنی بر آماره t در داخل جدول گزارش شده است. همانطور که در جدول شماره ۵/۱ ملاحظه می شود میانگین انحراف بخش بازرگانی و خدمات برخلاف بخش کشاورزی که بسیار کوچک ($11/26 -$) بود مثبت و $8/42$ می باشد و عملکرد بانکها در این بخش از سایر بخشها با انحراف بیشتر و مثبتی مواجه می باشند و با استفاده از تست میانگین مبتنی بر آماده (t) چنین استنباط می شود که بخش بازرگانی و خدمات بجز بخش صنعت و معدن با دو بخش دیگر (کشاورزی و مسکن و ساختمان) تفاوت معنی دار دارد. زیرا احتمال آماره t (داخل پرانتز) در بخش کشاورزی $0/000$ و با بخش مسکن و ساختمان $0/0051$ می باشد و چون از 10 درصد کوچکترند. تفاوت میانگین انحرافات در بخشهای مربوطه از نظر آماری محسوس و معنی دار است.

ب) تحلیل آنالیز واریانس (در بخش خدمات و بازرگانی)

۱- ب - متغیر وابسته: انحراف بانکها در اعطای تسهیلات به بخش خدمات و بازرگانی
متغیر مستقل: عامل سال (سالهای برنامه)
انحراف عملکرد بانکها در اعطای تسهیلات به بخش خدمات و بازرگانی از مصوب قانون برنامه اول را در طی سالهای مختلف برنامه با استفاده از تست آنالیز واریانس مورد تحلیل قرار می‌دهیم تا معلوم شود که:

آیا میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان بوده است؟

یا میزان انحراف در برخی سالها از سالهای دیگر بیشتر می‌باشد. نتایج آنالیز واریانس که در جدول زیر گزارش شده نشان می‌دهد که میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان بوده آماره $F(0.6656) = F$ معنی‌دار نسبت و تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین انحرافات در سالهای مختلف وجود ندارد:

Variable BAZ		Analysis of Variance				
By Variable SAL			SUM of	mean	F	F
Source	D.F		Squares	Squares	Ratio	prob
Between	Groups	4	343.3301	85.8325	6656	6218
Within	Groups	25	3223.9657	128.9586		
Tatal		29	3567.2958			

۲- ب) متغیر وابسته: انحراف تسهیلات اعطایی بانکها در بخش خدمات و بازرگانی
متغیر مستقل: عامل بانک (هر بانک تجاری)
انحراف عملکرد هر یک از بانکهای تجاری آمده است از طریق آنالیز واریانس مورد آزمون قرار می‌گرفته تا معلوم شود که:

آیا میانگین انحراف در بین بانکها یکسان بوده است؟

یا میزان انحراف بین بانکهای مختلف متفاوت بوده است.
نتایج آنالیز واریانس که در جدول زیر گزارش شده نشان می‌دهد که میانگین انحراف بانکها با توجه به آماره $F(1.2358) = F$ با ضریب اطمینان نود درصد $(1 - \alpha = 0.90)$ معنی‌دار است و فرضیه

یکسان بودن میانگین انحراف در بخش خدمات و بازرگانی بین بانکهای مختلف رد می شود که بیانگر عدم رعایت اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه توسط هر یک از بانکهای تجاری است و همچنین نتایج آزمون نشان می دهد که هر یک از بانکها در مجموع ۶ بانک تجاری مورد بررسی نسبت به یکدیگر در بخش خدمات و بازرگانی تفاوت معنی دار نداشته و در واقع مبین انحراف همه بانکها به صورت هماهنگ از عدم رعایت اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه (مصوب مراجع اعتباری) می باشد.

MORE

ONEWAY/VARIABLE baz san mas kesh BY bank (1.6)

ONEWAY

Variable BAZ

BY VARIABLE BANK

ANALYSIS OF VARIANCE

			Sum of	mean	F	F
	Source	D.F.	Squares	Squares	Ratio	prob
Between	Groups	5	730.3995	146.0799	1.2358	3234
Within	Groups	24	2836.8962	118.2040		
Total		29	3567.2958			

۳ - ۲ - آزمون فرضیه در مورد عملکرد بانکها در سایر بخش های اقتصادی

الف - بخش صنعت و معدن

انحراف عملکرد بانکها در اعطای تسهیلات به بخش صنعت و معدن از مصوب قانون برنامه اول را طی سالهای مختلف برنامه با استفاده از تست آنالیز واریانس مورد تحلیل قرار می دهیم تا معلوم شود که:

آیا میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان بوده است؟

یا میزان انحراف در برخی سالها از سالهای دیگر بیشتر بوده است.

نتایج آنالیز واریانس که در جدول زیر گزارش شده نشان می دهد که میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان نبوده است. آماره $F = 2.4747$ با ضریب اطمینان نود درصد $(1 - \alpha = 0.90)$ معنی دار است و فرضیه مساوی بودن میانگین انحرافات در بخش صنعت و معدن در طی

سالهای برنامه رد می‌شود که بیانگر عدم رعایت اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه طی سالهای برنامه توسط بانکها می‌باشد.

Variable SAN

By Variable SAL

Analysis of variance

			sum of	mean	F	F
	source	D.F.	Squares	squares	ratio	prob
Between	Groups	4	3277.6806	819.4202	2.4747	0.703
Within	Groups	25	8277.9423	331.1177		
Total		29	11555.6229			

ضمناً جداول آنالیزواریانس را با در نظر گرفتن متغیر وابسته انحراف بخش صنعت و معدن و عامل بانک تشکیل می‌دهیم تا معلوم شود که آیا میانگین انحراف در بین بانکها یکسان بوده است؟ یا میزان انحراف بین بانکهای مختلف متفاوت بوده است.

نتایج آنالیزواریانس که در جدول گزارش شده نشان می‌دهد که میانگین انحراف بانکها با توجه به آماره $F = 3.8218$ با ضریب اطمینان نود درصد ($1 - \alpha = 0/90$) معنی‌دار است و فرضیه مورد نظر رد می‌شود که بیانگر عدم رعایت اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه توسط هر یک از بانکها می‌باشد.

ONEWAY

Variable SAN

By Variable BANK

Analysis of variance

			sum of	mean	F	F
	Source	D.F.	squares	squares	ratio	prob
Between	Groups	5	5122.2556	1024.4511	3.8218	0.109
Within	Groups	24	6433.3673	268.0570		
Total		29	11555.6229			

همچنین با استفاده از جدول مقایسه میانگین انحراف بخشها (جدول شماره ۵/۱) و بررسی آماره t (داخل پرانتز) نتیجه می‌گیریم که بخش صنعت بجز با بخش کشاورزی با سایر بخشهای دیگر اقتصادی تفاوت معنی‌دار نداشته است.

ب - بخش مسکن و ساختمان

انحراف عملکرد بانکها در اعطای تسهیلات به بخش مسکن و ساختمان از مصوب قانون برنامه اول را طی سالهای مختلف برنامه با استفاده از تست آنالیزواریانس مورد تحلیل قرار می‌دهیم تا معلوم شود که:

آیا میانگین انحراف در سالهای برنامه یکسان بوده است؟

یا میزان انحراف در برخی سالها از سالهای دیگر بیشتر بوده است.

نتایج آنالیزواریانس که در جدول زیر گزارش شده نشان می‌دهد که میانگین انحرافات در طی سالهای مختلف یکسان بوده است. آماره $F = 0.2404$ (با ضریب اطمینان نود درصد $1 - \alpha = 0.90$) معنی‌دار نیست.

Variable MAS

By Variable SAI

Analysis of Variance

			Sam of	Mean	F	F
	Source	D.F.	Squares	Squares	RATIO	PROB
Between	Groups	4	444.9774	111.2444	.2404	.9127
Within	Groups	25	11568.8999	462.7560		
Total		29	12013.8773			

ضمناً جداول آنالیزواریانس را با در نظر گرفتن متغیر وابسته انحراف بخش مسکن و ساختمان و عامل بانک تشکیل می‌دهیم تا معلوم شود که آیا میانگین انحراف در بین بانکها یکسان بوده است؟ یا میزان انحراف بین بانکهای مختلف متفاوت بوده است. نتایج آنالیزواریانس که در جدول زیر گزارش شده نشان می‌دهد که میانگین انحراف بانکها با توجه به آماره $F = 5.1172$ (با ضریب اطمینان نود درصد $1 - \alpha = 0.90$) معنی‌دار است و فرضیه مورد نظر رد می‌شود که بیانگر عدم رعایت اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه توسط هر یک از بانکها می‌باشد.

Variable MAS
By Variable BANK

		Analysis of Variance				
			Sum of	mean	F	F
Source		D.F.	Squares	Squares	ratio	prob
Between	Groups	5	6199.0487	1239.8097	5.1172	.0025
Within	Groups	24	5814.8287	242.2845		
Total		29	12013.8773			

همچنین با استفاده از جدول مقایسه میانگین انحراف بخشها (جدول شماره ۵/۱) و بررسی آماره t (داخل پرانتز) نتیجه می‌گیریم که بخش مسکن و ساختمان با بازرگانی و کشاورزی تفاوت معنی‌دار دارند.

تحلیل کلی

همانطور که ملاحظه گردید فرضیه مورد نظر با استفاده از تکنیک‌های آماری و اقتصادسنجی مورد آزمون قرار گرفت و به طور کلی از تحلیل آماری انجام شده چنین استنباط می‌شود که فرضیه مورد نظر مبنی بر:

«تخصیص تسهیلات بانکی در طول برنامه اول با توجه به اولویتهای و رهنمودهای کمی در برنامه صورت گرفته است رد می‌شود.»

در این تحلیل با استفاده از تست میانگین بر روی انحراف بخشهای اقتصادی مبتنی بر آماره t و نیز با استفاده از تحلیل آنالیز واریانس به نتایج یکسانی رسیدیم. با ملاحظه جدول مقایسه میانگین انحراف بخشهای اقتصادی (جدول شماره ۵/۱) و تست میانگین بر روی انحراف بخشی مبتنی بر آماره t ملاحظه گردید که بخش کشاورزی با تمام بخشهای دیگر اقتصادی و بخش خدمات، بازرگانی بجز بخش صنعت با بخش‌های دیگر (مسکن و کشاورزی) تفاوت معنی‌دار دارد. ضمناً انحراف عملکرد بانکها در اعطای تسهیلات به بخشهای کشاورزی و خدمات و بازرگانی از مصوب قانون برنامه اول را در طی سالهای مختلف برنامه با استفاده از تست آنالیز واریانس مورد تحلیل قرار دادیم تا معلوم شود که:

۱- آیا میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان بوده است؟

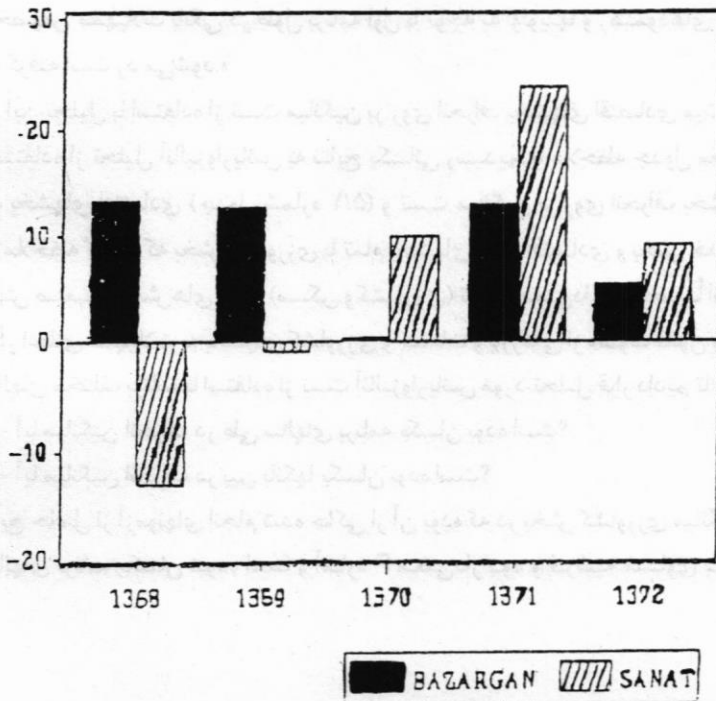
۲- آیا میانگین انحراف در بین بانکها یکسان بوده است؟

نتایج حاصل از آزمونهای انجام شده حاکی از آن بوده که در بخش کشاورزی میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان نبوده است و آماره F معنی‌دار بود و فرضیه مساوی بودن میانگین

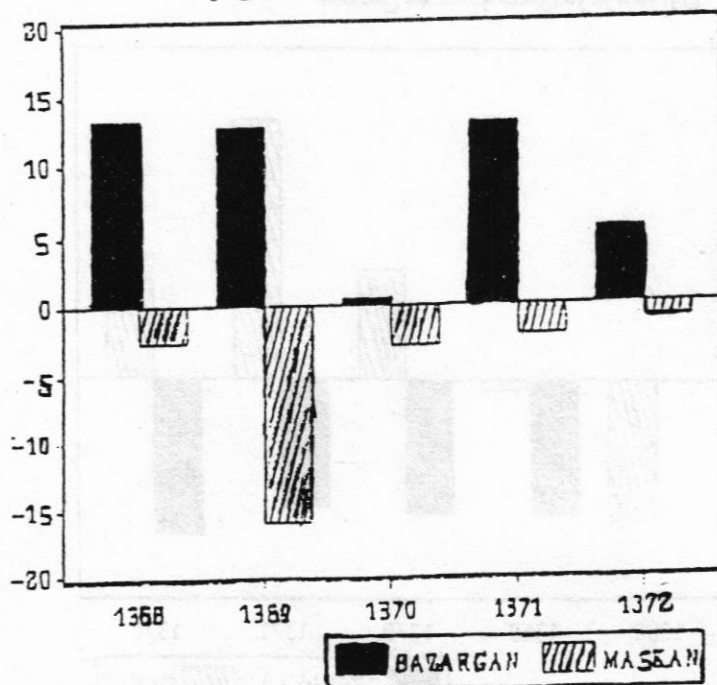
انحرافات در این بخش در طی سالهای برنامه رد می‌شود و طبق بررسی بعمل آمده میزان انحراف در سالهای اول برنامه بیشتر و در سال ۷۲ انحراف عملکرد کل سیستم بانکی در اعطای تسهیلات به بخش کشاورزی از مصوب و اهداف تعیین شده به حداقل رسیده بود که به احتمال زیاد حاکی از نظارت بهتر بانک مرکزی و رعایت سایر بانکها بوده است. همچنین نتایج آزمون نشان داد که میانگین انحراف هر یک از بانکها نسبت به یکدیگر در بخش کشاورزی تفاوت معنی‌دار نداشته و در واقع مبین انحراف همه بانکها به صورت تقریباً یکسانی از عدم رعایت اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه می‌باشد.

در بخش خدمات و بازرگانی نتایج آنالیز واریانس در شرایطی که عامل را «سال» در نظر گرفتیم عبارت بود از اینکه میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان بوده و آماره F معنی‌دار نیست و تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین انحرافات در طی سالهای مختلف وجود نداشت به عبارت دیگر مبین انحراف بانکها در تمام سالهای برنامه به صورت تقریباً یکسانی از عدم رعایت اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه بود ضمناً فرضیه یکسان بودن میانگین انحراف بین بانکها نیز رد شد که بیانگر عدم اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه توسط بانکها می‌باشد.

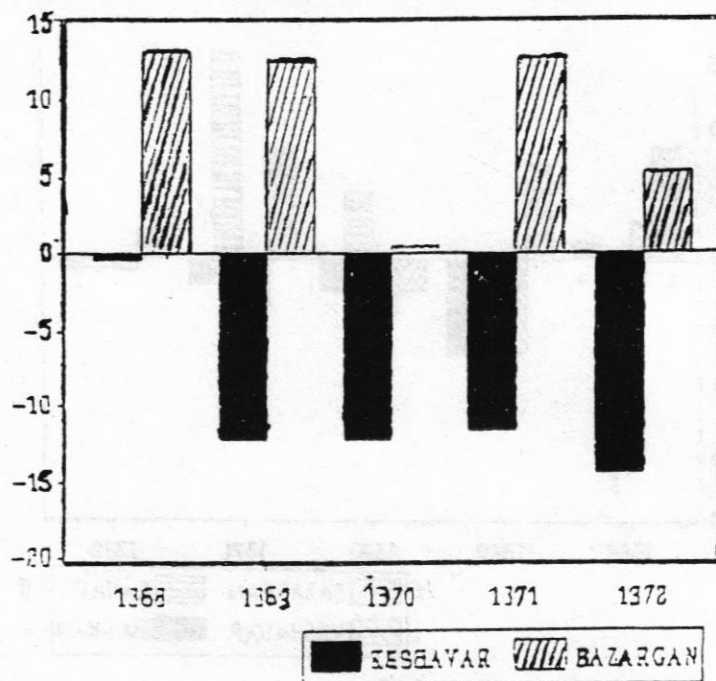
نمودار مقایسه انحراف تسهیلات اعطائی سیستم بانکی در دو بخش خدمات و بازرگانی با صنعت و معدن در سالهای برنامه



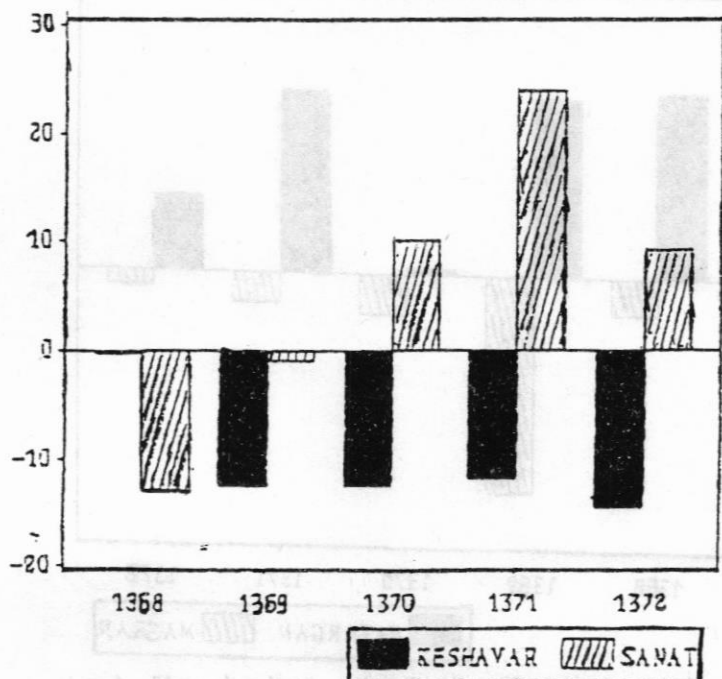
«نمودار مقایسه انحراف تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در دو بخش خدمات و بازرگانی
یا مسکن و ساختمان در سالهای برنامه»



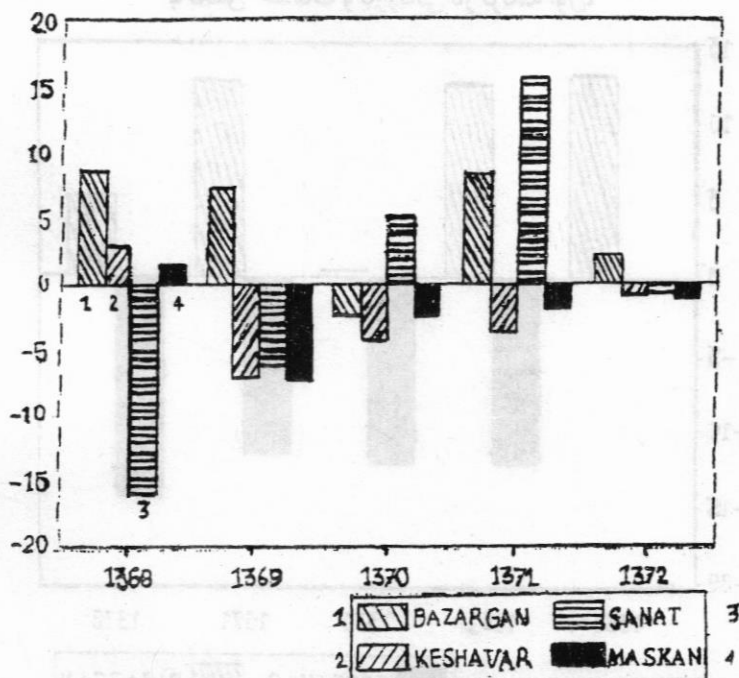
«نمودار مقایسه انحراف تسهیلات اعطائی بانکها در بخش کشاورزی
یا بخش خدمات و بازرگانی در برنامه اول»



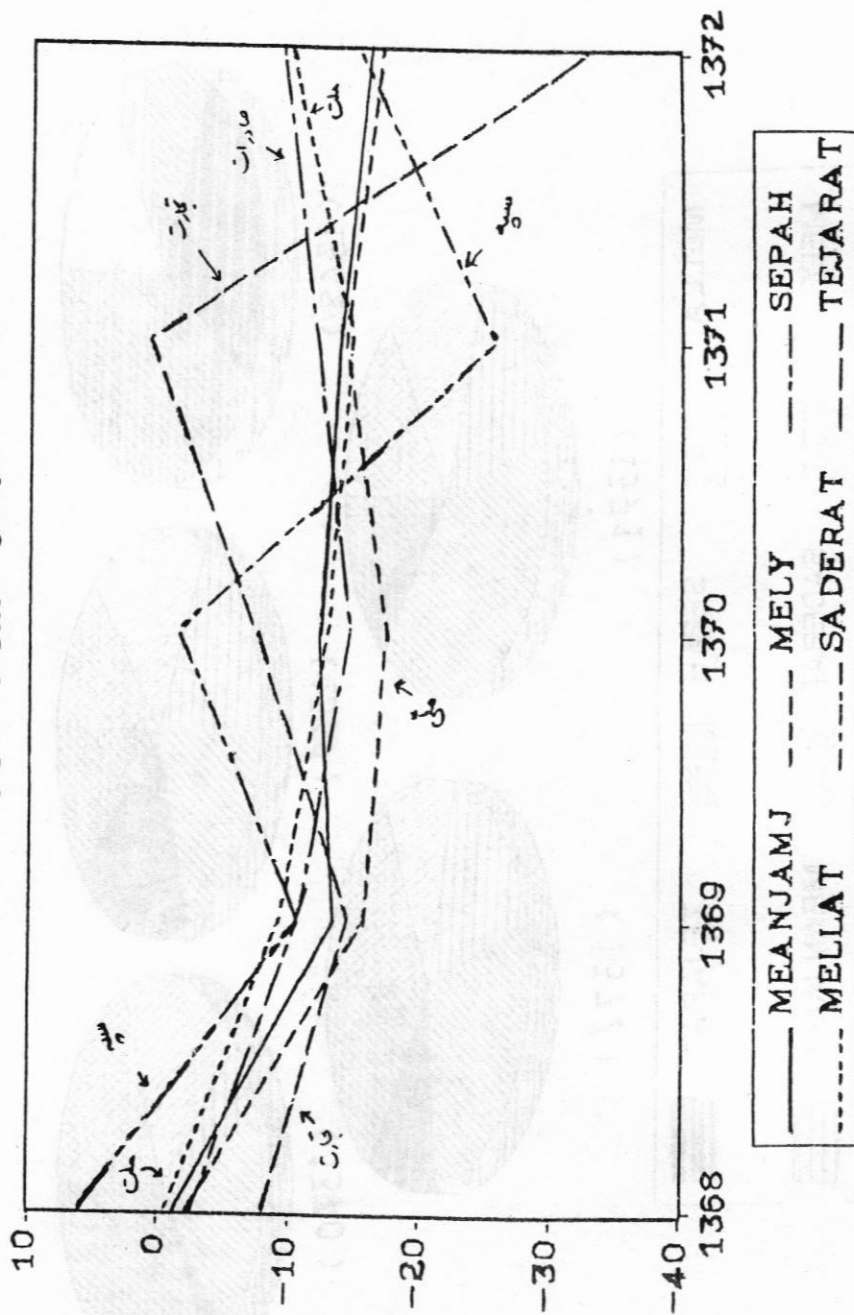
«نمودار مقایسه انحراف تسهیلات اعطایی بانکها در بخش کشاورزی
با بخش صنعت و معدن در برنامه اول»



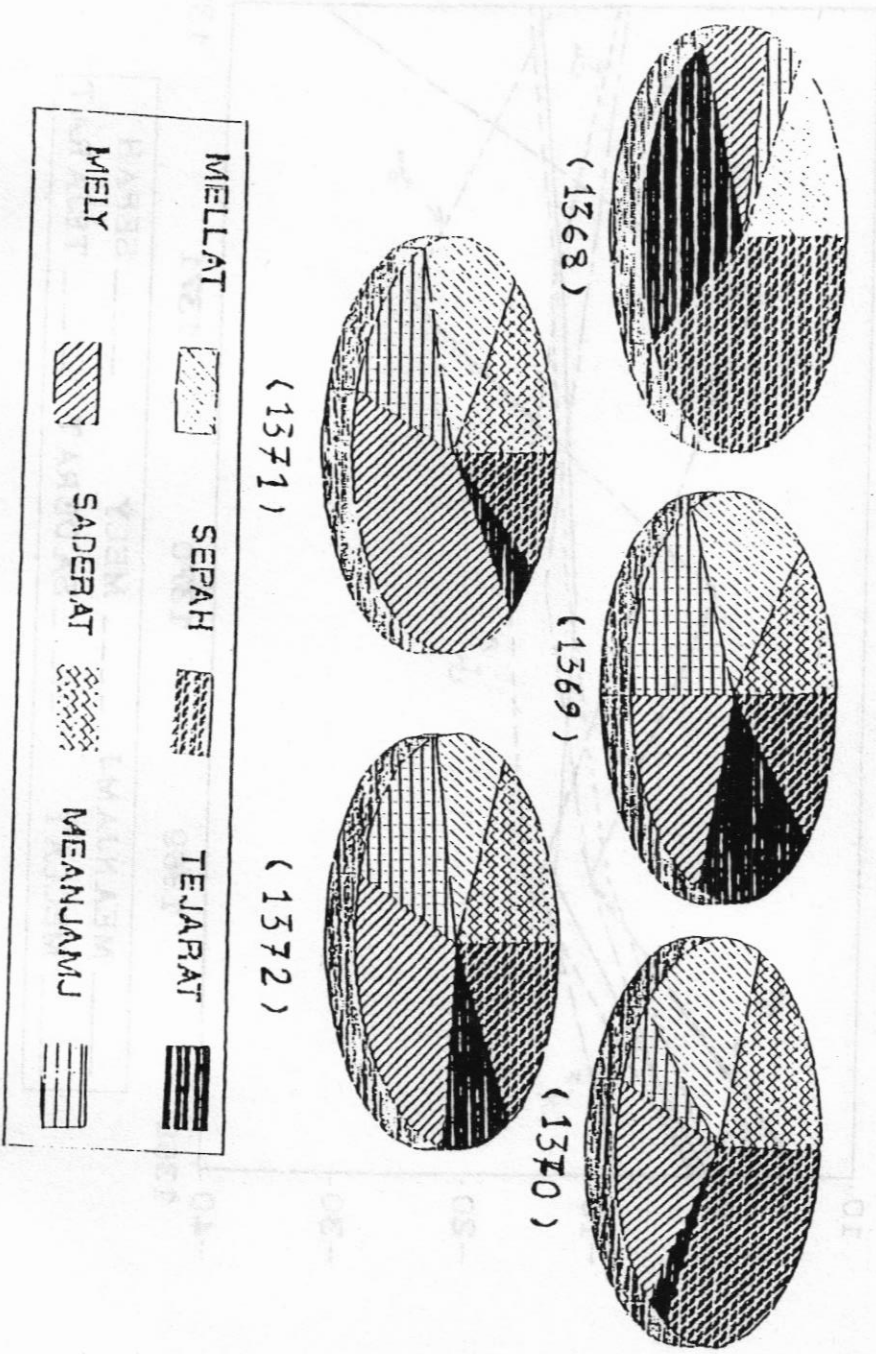
«نمودار انحراف عملکرد سیستم بانکی با هدف پیش بینی شده در برنامه اول»



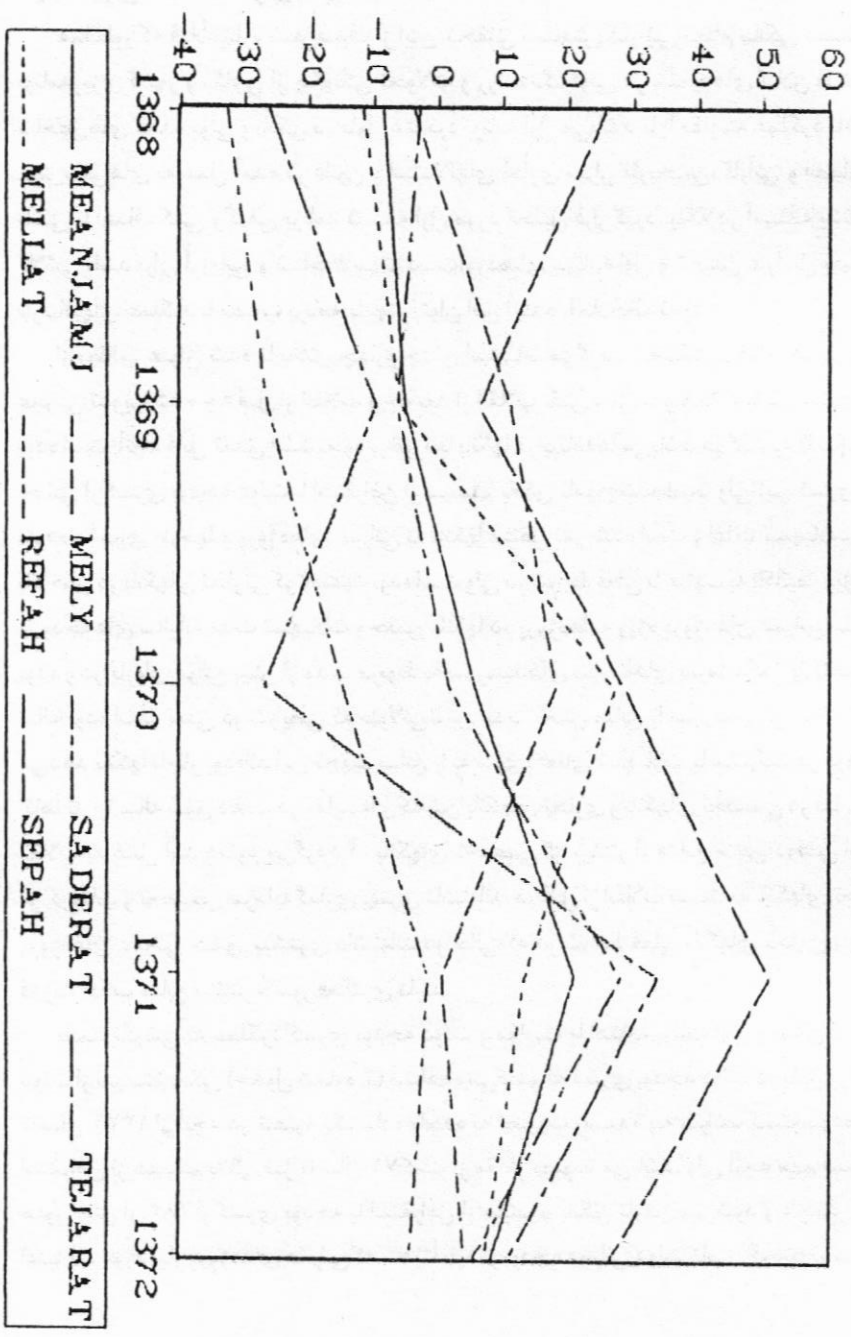
«نمودار انحراف تسهیلات اعطائی بانکهای تجاری با میانگین انحرافات
در بخش کشاورزی در سالهای برنامه»



و نمودار انحراف تسهیلات بانکهای تجاری (بجز بانک رفاه) در بخش خدمات بازرگانی در مقایسه با انحراف میانگین جمع جبری طی سالهای برنامه اول ۱۳۷۲ - ۱۳۶۸



«نمودار انحراف تسهیلات اعطائی بانکهای تجاری در بخش صنعت و معدن نسبت به میانگین جمع جبری در سالهای برنامه اول»



نتیجه‌گیری، مشکلات و پیشنهادات

همانطور که قبلاً اشاره شد هدف از این تحقیق سنجش کارآئی نظام بانکی دستگاههای برنامه‌ریزی کشور و آگاهی از چگونگی تحولات و روند دگرگونی در متغیرهای کلان اقتصادی و شاخص‌های عمده پولی و بانکی در طول عملکرد برنامه اول می‌باشد تا با مقایسه عملکرد با اهداف پیش‌بینی‌های به عمل آمده در قانون و استدلالهای آماری میزان اثربخشی، کارآئی و انطباق نظام بانکی با اهداف کمی و کیفی برنامه ۵ ساله اول مورد تحلیل قرار گیرد، بلکه در آستانه برنامه دوم تلاشی باشد برای ارزیابی و شناخت بهتر دست‌آوردهای برنامه اول و تعیین عوامل موفقیت و نارسائیهای عملکرد با مصوب برنامه تا بهتر بتوان آفاق آینده را ملاحظه نمود.

از مطالب عنوان شده تا بخش چهارم چنین استنباط می‌گردد که نقش بانکها در برنامه‌های عمرانی تدوین شده چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب نقش سازنده و همگام با سیاستهای دولت بوده است. آنچه قابل تعمق است نحوه برخورد با بانکها در برنامه‌ها می‌باشد در گذشته تا سال ۱۳۶۷ بخشی از کسری بودجه دولت با استقراض از سیستم بانکی تامین شده است ولی این کسری مخفی نبوده و اجرای طرحها و پروژه‌های عمرانی به بانکها منتقل نمی‌شده است و اغلب تسهیلات اعطائی بالاخص در بانکهای تجارتي کوتاه‌مدت بوده است ولی در شرایط فعلی با عنایت به تکالیف ویژه برنامه و بودجه‌های سالیانه مدت تسهیلات و حضور بانکها در پروژه‌ها به ویژه پروژه‌های عمرانی، بلندمدت بوده و در پاره‌ای مواقع بیش از مدت مربوط به سررسیدهای سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت ۵ ساله بوده است یعنی در شرایطی که طولانی‌ترین مدت بخش منابع را سپرده پنج ساله تشکیل می‌دهد بانکها ناچار بوده‌اند این تجهیز منابع را به سوی اعطای تسهیلات یا مشارکت در پروژه‌هائی گاهاً تا ۲۰ ساله سوق دهند. در مقایسه‌ای که بین بانکهای تجاری و بانکهای تخصصی در قبل و بعد از انقلاب به عمل آمد معلوم می‌گردد که بانکهای تخصصی که بیشتر از منابع خاص دولتی استفاده می‌کرده‌اند و تخصیص سرمایه‌گذاری بهتری داشته‌اند. در قبل از انقلاب نسبت به بانکهای تجاری در پروژه‌های عمرانی حضور بیشتری داشته‌اند در حالی که در شرایط فعلی بانکهای تجاری به سبب قدرت جذب منابع بیشتر حضور فعالتری دارند.

ضمناً نگرشی به عملکرد کسری بودجه دولت و مقایسه با اهداف برنامه اول و میزان استقراض دولت از سیستم بانکی (جدول شماره ۲) مشاهده می‌کنیم که کسری بودجه دولت در طول برنامه اول تا سال ۱۳۷۱ از آنچه در تبصره یک ماده واحده به تصویب رسیده به مراتب کمتر بوده است و استقراض از سیستم بانکی نیز تا سال ۷۱ کمتر از مقدار مصوب می‌باشد. ولی آنچه مهم است اینکه هنوز بیش از ۸۳٪ از کسری بودجه با استقراض از سیستم بانکی تامین می‌شود و مهمتر از همه اعتبارات مورد نیاز پروژه‌های عمرانی که ماهیتاً باید از بودجه عمرانی دولت تامین گردند توسط بانکها

تامین شده‌اند و در کسری بودجه نمایانگر نگردیده‌اند برای مثال از پروژه‌های مربوط به پتروشیمی، سد کارون سه، سد کارون چهار، برق رسانی اتوبانها، مترو می‌توان نام برد. که در اغلب این پروژه‌ها منابع بانکها بیش از ۲۰ سال درگیر خواهد شد. همچنین از ماده واحده (تبصره ۲ برنامه) نتیجه می‌گیریم که در طول برنامه اول دولت موظف بوده است سیاست سالانه پولی و اعتباری را منحصراً در چهارچوب سیاستهای کلی برنامه تصویب نماید و بانک مرکزی مکلف شده بود از محل منابع سیستم بانکی تسهیلات اعتباری لازم را جهت سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی (عمومی، تعاونی و خصوصی) در قالب جدول شماره ۴ قانون برنامه فراهم آورد. در صورتی که در جدول شماره ۴ که تصویر سرمایه‌گذاری ثابت طی برنامه اول ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲ را نشان می‌دهد ملاحظه می‌کنیم که سهم سیستم بانکی در هر فصل و هر بخش مشخص شده است که با میزان تعیین شده توسط مراجع اعتباری مغایرت دارد.

ضمناً، مشاهده شد بانکها در ارتباط با تکالیف بودجه‌های سالانه در نحوه تضمین واژه معوق، سررسید و... با سازمان برنامه و بودجه و وزارتخانه‌ها همواره مشکل داشته‌اند. از طرفی در تمام این تبصره‌ها بانکها مکلف به بررسی فنی، مالی، اقتصادی پروژه‌ها شده‌اند و چنانچه یک پروژه سودده تشخیص داده شود تسهیلات لازم اعطاء خواهد شد. از سوی دیگر وزارتخانه‌ها مبالغ پیش‌بینی شده در قانون برنامه اول یا قانون بودجه سالانه را جزو بودجه خود تلقی می‌کنند و فشار زیاد برای دریافت تسهیلات به سیستم بانکی وارد می‌آورند که در نتیجه مطالبات معوق ایجاد می‌شود.

بر اساس برآورد مقدماتی بانک مرکزی ج.ا.ا تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱، در سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۶۷ حدود ۸۳٪ رشد داشته است و نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های جاری) از ۱۳/۲ درصد در سال ۶۷ به ۲۰/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ بالغ شده است و همین نسبتها به قیمت‌های ثابت سال ۶۱ از ۱۲ درصد در سال ۶۷ به ۱۵/۸ درصد در سال ۷۲ افزایش یافت. نقش بانکها در تامین منابع مالی سرمایه‌گذاری انجام شده بسیار مهم بوده است.

از مقایسه عملکرد با هدف در تصویر ترازنامه تلفیقی بانکی و شاخصهای کالا و خدمات مصرفی از مقایسه اول چنین معلوم گردید که متغیرهای اصلی ترازنامه تلفیقی یعنی خالص دارائیهای خارجی، خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی و خالص بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی و شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از لحاظ مقایسه عملکرد با هدف تفاوت‌های اساسی دارند و عملکرد همواره بیش از مصوب برنامه بوده است. در مجموع طی برنامه اول خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی از رشد متوسط معادل ۱۸/۶ درصد برخوردار بوده است که در مقایسه با رشد ۸/۶ درصد برنامه بیانگر ۱۰ درصد انحراف می‌باشد که عمدتاً این تفاوت مربوط به بدهی شرکتها و

مؤسسات دولتی می‌باشد. در ارتباط با عملکرد بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی نیز که رشد متوسط برنامه ۸/۷ درصد پیش‌بینی شده بود که به ۳۲/۷ درصد بالغ گردید. انحراف این متغیر عمدتاً مربوط به شرایط جدید اقتصادی می‌باشد که از سال ۶۸ شروع و در سالهای ۷۱ و ۷۲ شدت گرفت زیرا با اقدامات مربوطه به محدود کردن نرخهای ارز و طرح فروش ارز رقابتی و ارز شناور فشار کارخانجات تولیدی و بخشهای خدماتی به سیستم بانکی منجر به افزایش تسهیلات اعطایی بیش از حد به بخش خصوصی گردید و شورای پول و اعتبار در سال ۶۸ و ۶۹ چندین نوبت سقف اعتباری بانکها را مورد تجدیدنظر قرار داد و سرانجام از سال ۷۰ نیز به منظور باز گذاشتن دست بانکها در اعطای تسهیلات مورد نیاز بخش خصوصی سقف اعتباری را برداشت هرچند در مقابل این سیاست انبساطی بانکها موظف به خرید اوراق قرضه معادل ۳۶٪ از مانده سپرده‌های دیداری خود شدند. در مجموع نقدینگی افزایش قابل توجهی داشت و چون این مازاد نقدینگی به نحو مطلوبی به سمت امور تولیدی و پربازده سوق داده نشد نرخ تورم در حد مورد انتظار برنامه تحقق پیدا نمود و رشد متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات در دوره برنامه ۱۹/۵ متوسط رشد سالانه نقدینگی در طی این پنج سال ۲۵ درصد می‌باشد که ۱۷٪ بیش از مصوب است. افزایش نقدینگی عمدتاً ناشی از افزایش حجم بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی و تعدیل نرخ ارز می‌باشد اجزاء نقدینگی یعنی پول و شبه پول تغییرات مهمی در طول برنامه پنج ساله اول داشته‌اند بطوریکه در سال ۶۷ ترکیب نقدینگی شامل ۲۳ درصد سهم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و ۷۷٪ را سپرده‌های دیداری و سرمایه‌گذاری بود که این ترکیب در سال ۷۲ به ۱۴/۹٪ سهم اسکناس و مسکوک و ۸۵/۱ درصد را سپرده‌ها تغییر کرد. سهم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص نسبت به حجم پول در سال ۶۷ حدود ۴۴/۴ درصد بوده و در سال ۷۲ به ۳۰/۵ درصد کاهش یافته که این شاخص مطلوبی است برای نشان دادن موقعیت سیستم بانکی در جذب اعتماد مردم بالطبع سهم سپرده‌های دیداری از ۵۵/۶ درصد در سال ۶۷ به ۶۹/۵ درصد در سال ۷۲ افزایش یافته است نسبت شبه پول به نقدینگی نیز از ۵۰/۵ درصد در سال ۶۷ به ۵۲/۴ درصد در سال ۷۲ رسیده است.

همانطور که در بخش چهارم بیان گردید نقش بانکها در تامین منابع مورد نیاز بخشهای اقتصادی بسیار گسترده و قابل توجه بوده است. با بررسی آمار موجود ملاحظه گردید که مانده تسهیلات اعطائی سیستم بانکی شامل بانکهای تجاری و تخصصی در کلیه بخشهای اقتصادی از رشد فزاینده‌ای برخوردار بوده و از حدود ۷۴۰۰ میلیارد ریال در سال ۶۷ به حدود ۲۹ هزار میلیارد ریال در پایان سال ۷۲ رسیده است. مانده تسهیلات در پایان برنامه نسبت به شروع برنامه در بخش کشاورزی از رشد معادل ۲۴۸/۵ درصد. در بخش صنعت از رشدی معادل ۵۰۵/۸ و در بخش مسکن و ساختمان از رشدی معادل ۲۴۵/۶ درصد و در بخش بازرگانی و خدمات از رشدی معادل ۱۹۰/۶ درصد برخوردار

بوده‌اند. بخش صنعت بیشترین و بخش بازرگانی و خدمات کمترین میزان تسهیلات را به خود اختصاص داده است.

افزایش بی‌رویه تسهیلات در بخش صنعت و معدن بیشتر ناشی از سیاستهای جدید اقتصادی و رفع نیازهای مالی واحدهای صنعتی به دلیل استفاده بیشتر از تعدیل نرخ ارز (ارز رقابتی و ارز شناور) می‌باشد. در بخش صنعت و معدن درصد سهم بانکهای تجاری از کل مرتباً افزایش یافته به طوریکه از ۲۰٪ در سال ۶۷ به ۴۰/۴ درصد در سال ۷۲ رسیده و سهم بانک صنعت و معدن از کل سیستم بانکی مرتباً رو به کاهش بوده است.

در این تحقیق صرفاً به تسهیلات اعطائی و تحلیل آن اشاره شده و از خدمات متعدد سیستم بانکی از قبیل خدمات حواله‌ای، ضمانت‌نامه‌ها، کارتهای اعتباری، گشایش و واریز اعتبارات اسنادی، صندوق امانات، و... حرفی به میان نیامده است. همچنین ارزیابی عملکرد سیستم بانکی به ویژه بانکهای تجاری از دیدگاه‌های ذیل:

- ارزیابی نرخ نفوذ بانکهای تجاری در بازار و رشد بازار پول و سرمایه.

- ارزیابی نرخ بهره‌مندی از منابع مالی که بانک به آن دسترسی پیدا کرده است

- ارزیابی مطلوبیت عوامل داخلی هر بانک

نیز مورد توجه بوده است، آنچه استنتاج می‌شود اینست که بانکها با شیوه‌های مختلف موفقیت قابل توجهی در جذب منابع داشته‌اند و رشد قابل توجه سپرده‌ها حاکی از این موضوع می‌باشد.

نتایج حاصل از تحلیل آماری و آزمونهای انجام شده حاکی از آن بود که فرضیه مورد نظر مبنی بر: «تخصیص تسهیلات بانکی در طول برنامه اول با توجه به اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه صورت گرفته است»، رد می‌شود. در این رابطه ملاحظه شد که بخش کشاورزی با تمام بخشهای دیگر اقتصادی و بخش خدمات و بازرگانی بجز بخش صنعت یا سایر بخشها تفاوت محسوسی دارند. استفاده از تحلیل آنالیزواریانس چنین استنباط گردید که در بخش کشاورزی میانگین انحراف در طی سالهای برنامه یکسان نبوده است و فرضیه مساوی بودن میانگین انحراف در این بخش در طی سالهای برنامه رد می‌شود و همچنین نتایج آزمون نشان داد که میانگین انحراف هر یک از بانکها نسبت به یکدیگر در بخش کشاورزی تفاوت معنی‌داری نداشته و در واقع مبین انحراف همه بانکها به صورت تقریباً یکسانی از اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه می‌باشد. در بخش خدمات و بازرگانی نیز با تحلیل آنالیزواریانس فرضیه یکسان بودن میانگین انحراف بین بانکها رد شد که بیانگر عدم رعایت اولویتها و رهنمودهای کمی مندرج در برنامه توسط بانکها می‌باشد.

از آزمونهای انجام شده و رد فرضیه فوق‌الذکر چنین استنباط می‌گردد که مسئولین اقتصادی کشور باید برای مشکلات سیاستهای بخشی و تسهیلات تکلیفی چاره‌اندیشی نمایند زیرا عملاً در

طول برنامه اول این قبیل سیاستهای تدوین شده به دلیل عدم برنامه‌ریزی مناسب و توزیع بهینه تسهیلات در بخشهای اقتصادی و عدم شناخت صحیح از توان و کارایی نظام بانکی و نیز عدم نظارت صحیح و کافی پاسخ‌گوی اهداف تعیین شده در برنامه نبوده است. با توجه به نکات فوق و تجارب و مشاهدات اینجانب در طی ۲۴ سال خدمت در نظام بانکی پیشنهادات زیر برای بهبود عملکرد نظام بانکی و افزایش کارایی این نظام در راه دستیابی به توسعه اقتصادی ارائه می‌گردد:

۱- علیرغم اینکه مراجع تصمیم‌گیری پیرامون سیاستهای تسهیلاتی نظام بانکی توسط قانون عملیات بانکی بدون ربا مشخص شده است مع هذا بانکها همواره شاهد اظهارنظر و تصمیم‌گیری مراجع مختلف دیگری هستند. قانون عملیات بانکی بدون ربا ماده ۱۹ از فصل چهارم مرجع تصمیم‌گیری سیاستهای کوتاه‌مدت (یکساله) را هیئت دولت بیان نموده است سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی پنج ساله و درازمدت در قانون برنامه‌های عمرانی پنج ساله و درازمدت کشور مشخص می‌گردند.

۲- در قانون عملیات بانکی بدون ربا بانکها را مخیر به اعطای تسهیلات بانکی در تمام ماده‌های ۷ الی ۱۳ و ۱۶ و ۱۷ نموده است. در این قانون از کلمات مکلف و موظف استفاده نشده و در همه جا از کلمه (می‌توانند) استفاده شده است. بجز ماده ۱۴ که بانکها را موظف به اعطای تسهیلات قرض الحسنه جهت تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی دانسته است. متأسفانه در عمل بانکها در اعطای هیچ نوع تسهیلات اختیار مستقلی ندارند.

۳- در قانون برنامه اول بند ۷ از سیاستهای کلی آمده است که در بخشهای اقتصادی که برای وضع تولید و گسترش ظرفیتهای تولیدی به منابع مالی و تسهیلات بانکی و اعتباری نیازمندند تسهیلات بانکی و اعتباری مورد نیاز چنان سازماندهی خواهد شد که:

۱- ۷- اعطای تسهیلات اعتباری در جهت تعیین شده سوق داده شود.

۲- ۷- سلامت بخش پولی کشور دستخوش نابسامانی نشود.

می‌بینیم که قانون‌گذار تاکید به سلامت بخش پولی دارد که نباید با فشارهای غیراصولی بخشها دستخوش نابسامانی شود آنچه برای بانکها به سهولت قابل نظارت نیست این که اعطای تسهیلات در جهت هدفهای تعیین شده سوق داده می‌شود یا خیر و آیا فشار وارده بیش از حد به سیستم بانکی سلامت بخش پولی کشور را دستخوش نابسامانی نمی‌سازد؟

و چه مکانیزمی وجود دارد که اولاً مشخص نماید نیازهای واحدهای اقتصادی به نقدینگی و تسهیلات حد توان دولت است. دوم آنکه چگونه بررسی شود این نقدینگی و تسهیلات داده شده در جهت هدف مصرف شده باشد سوم چگونه می‌توان نیازهای دستگاههای اقتصادی را با روشهای دیگر تأمین نمود. در هر صورت دولت به یک مدیریت وجوه مخصوص این امور نیاز دارد.

۴- اگر پرداخت تسهیلات تکلیفی اجتناب‌ناپذیر باشد لازم است حداقل تعدیلی در آن، صورت پذیرد مثلاً پیشنهاد می‌شود چون تسهیلات تکلیفی برگشت کوتاه‌مدت ندارد لذا بهتر است منبع چنین تسهیلاتی حسابهای سپرده مدت‌دار و بلندمدت و سپرده‌های قانونی تعیین گردد و اختیار استفاده از منابع سایر سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات به خود بانکها واگذار گردد و محدودیتهای سقفی و بخشی در مورد آنها اعمال نگردد.

۵- نحوه توزیع تسهیلات بین بخش‌های مختلف اقتصادی باید برحسب استعداد مناطق مختلف و با توجه به پتانسیل‌های صنعتی یا کشاورزی هر استان انجام پذیرد. در حال حاضر بخشنامه‌های بانک مرکزی و درصدهای تعیین شده توسط شورای پول و اعتبار بخشها به طور یکسان به سرپرستی‌های کلیه بانکها در شهرستانها ابلاغ می‌شود خواه آن استان کشاورزی باشد یا صنعتی. سیاست تسهیلاتی یکسان باعث می‌شود که برای مثال سهم تسهیلات کشاورزی بانکها در استان کرمان که از نظر کشاورزی چندان مستعد نیست از سهم استانهای حاصلخیزی چون آذربایجان و خوزستان بیشتر باشد در حالی که بهتر بود این استانها سهم بیشتری می‌گرفتند.

۶- بانکها در اعطای تسهیلات تکلیفی به ویژه تسهیلات مورد نیاز طرحهای عمرانی از لحاظ مصوبات با مسیولیت‌هایی نظیر ارزیابی توجیه اقتصادی موجه طرحها و اخذ وثیقه مواجه هستند ولی اختیاری در قبال این مسئولیت‌ها ندارند. به طور واضح تر بانکها نمی‌توانند بگویند این طرح توجیه ندارد یا این تضمین کافی نیست و یا این نرخ سود موجه نمی‌باشد و... لذا بهتر است بانکها را حداقل از بررسی تشریفاتی طرحهای عمرانی معاف نمایند و در مورد وثیقه این قبیل طرحها نیز توسط دولت چاره‌اندیشی شود.

۷- می‌دانیم که هزینه‌های طرحهای عمرانی دوره بازپرداخت طولانی دارند و چون در این طرحها از عقد مشارکت مدنی استفاده می‌شود بالطبع سود تسهیلات پرداخت شده فقط در پایان دوره مشارکت قابل منظور شدن در ترازنامه‌های بانک است لذا طی سالیان مشارکت ترازنامه بانکها چندین سال رقم سود حاصل از قبیل پروژه‌ها و طرحها را نشان نمی‌دهد و در پایان دوره هم سود حاصله موجب متورم نمودن ترازنامه آن سال خواهد شد. بنابراین پیشنهاد می‌شود به منظور منابع سپرده‌گذاران تا آنجا که میسر است در این موارد از عقد فروش اقساطی استفاده شود یا مصوبه جدیدی برای منظور نمودن سود سالیانه در ترازنامه‌های بانک اخذ شود.

۸- تأمین بودجه طرح‌های عمرانی توسط بانکها کسری بودجه دولت را به خوبی نشان نمی‌دهند لذا پیشنهاد می‌شود تأمین مالی این قبیل طرحها را به نظام بانکی تحمیل نکنیم و اگر اینکار ضرورت دارد حداقل این تسهیلات از محل سپرده‌های قانونی بانکها نزد بانک مرکزی پرداخت شوند و یا اینکه در صورت کسری نقدینگی بانکها حداقل بانک مرکزی تأمین‌کننده نقدینگی مورد نیاز بانکها باشد و

از اخذ جرائم سنگین (حدود ۳۰٪ به بالا) خودداری نماید.

۹ - چون اعتبارات تکلیفی بخشی از ظرفیت اعطای تسهیلات بانکها را اشغال می‌نمایند لذا بانکها نمی‌توانند به سمت فعالیتهای سود ده پر بازده حرکت نمایند بدین سبب پیشنهاد فوق مبنی بر استفاده از محل سپرده‌های قانونی یا تأمین نقدینگی بدون اخذ جریمه توسط بانک مرکزی (حداقل تا آن بخش که بانکها را به خطر نیندازد) مجدداً مورد نظر می‌باشد.

۱۰ - یکی از مسایل و معضلات اساسی سیستم بانکی ضعف در نظارت و کنترل بر اعطای تسهیلات می‌باشد. از تحلیلهای آماری و آنالیزوارینانس نیز چنین استنباط گردید که در طول برنامه اول بجز سال ۷۲ نظارت بیشتری اعمال شده بود انحراف قابل توجهی بین سالهای برنامه و بانکهای مختلف در عملکرد اعطای تسهیلات بخش‌های اقتصادی با مصوب برنامه وجود داشت که عمدتاً ناشی از عدم نظارت کافی می‌باشد.

۱۱ - پیشنهاد می‌شود بانکها از ردیف بودجه دولتی خارج و از سایر ضوابط دست و پاگیر دولتی و سقف‌های محدودکننده معاف شوند تا بتوانند کارآمدتر و فعالتر از گذشته حرکت نمایند زیرا بانکها چون مبتنی بر سرمایه هستند اگر خارج از ضوابط دولتی فعالیت کنند، قادر خواهند بود با ابتکارات و انتقال تکنولوژی جدید خدمات بانکی و استفاده از قدرت تبلیغاتی در جذب مشتریان کوشا باشند و راههای فعالیت جدیدی را بیابند.

۱۲ - در اعتبارات تکلیفی که بالطبع با استفاده از عقد مشارکت مدنی برای طرحهای عمرانی استفاده می‌شود حتی ۲۰٪ سهم مشتری نیز نقداً پرداخت نمی‌شود و یا تجدید دارائیها، مورد نظر قرار می‌گیرد که این موضوع در صورت گسترش و همه‌گیر شدن برای سیستم بانکی مشکل ایجاد می‌کند.

۱۳ - اکثر طرحهای عمرانی که به بانکها تکلیف می‌شوند ظرف مدت زمانبندی شده به نتیجه نمی‌رسند و معلوم نیست مشارکت بانکها تاکی باید ادامه یابد به طور مثال اولین قرارداد فیما بین بانکهای ملت و تجارت و شرکت مترو برای خطوط ۱ و ۲ مبلغ پنجاه میلیارد ریال و به مدت سه سال از سال ۶۶ بود که امروز این مبلغ به بیش از صد برابر بالغ شده و مدت بازپرداخت آن نیز مشخص نیست.

۱۴ - کلیه امور بانکها در چهارچوب آئین‌نامه‌ها و مقرراتی است که از بیرون به نظام بانکی دیکته شده است و تغییر در هر بند و مفاد این آئین‌نامه احتیاج به وقت زیاد و بوروکراسی طولانی دارد مانند آئین‌نامه معاملات، آئین‌نامه استخدام و نظام هماهنگ مقررات و آئین‌نامه اعتباری، طرحهای انگیزشی مانند کارانه، ضوابط بودجه و قس علیهذا.

لذا هر تحول و دگرگونی که بخواهد در بانکها انجام پذیرد با مقرراتی روبروست که از بالا دیکته شده و لغو مقررات هم به سهولت امکان پذیر نیست. پیشنهاد می‌شود تصمیم‌گیری در مورد تغییر

ضوابط تدارکاتی، پرسنلی و اداری را به بانکها و یا موارد مهم به شورای هماهنگی مدیران عامل بانکها محول نمایند تا بانکها قادر باشند با تشویق روحیه سرمایه‌گذاری و ابتکار در مردم به رشد اقتصادی کمک بکنند. یا به عبارت دیگر اجازه دهیم بانکها سرمایه‌گذار و سرمایه‌ساز باشند.

۱۵ - پیشنهاد می‌شود وضعیت منابع و محل مصرف تسهیلات تکلیفی به طور مستمر مورد بررسی و مراقبت قرار گیرند تا هماهنگی بین منابع و نحوه مصارف آنها ایجاد گردد. به عبارت دیگر از کاربرد منابع کوتاه‌مدت و موقت در تسهیلات بلندمدت مانند طرحهای عمرانی شدیداً خودداری شود.

۱۶ - توجه به سوددهی بسیار بجا و کاملاً طبیعی است ولی پیشنهاد می‌شود قسمتی از درآمد بانکها برای ایجاد تنوع در خدمات و بهبود تکنولوژی بانکی و سرمایه‌گذاری درازمدت در نیروی انسانی اختصاص داده شود. در گذشته بانکها مرتباً افراد مستعدی را جهت آشنائی با سیستم بانکداری نوین و گاهی با استفاده از امکانات کارگزاران به خارج اعزام می‌کردند این افراد در برگشت با دید بسیار گسترده و افکار سازنده و انتقال تکنولوژی در به حرکت درآوردن سیستم بانکی بسیار مؤثر بوده‌اند. لذا استفاده از این شیوه آموزشی پیشنهاد می‌گردد تا مجبور نباشیم حتی برای شعب بانکهای ایرانی در خارج کشور نیز بیش از سهمیه تعیین شده فرد خارجی استخدام نمائیم.

۱۷ - می‌دانیم که میزان سپرده‌های مردم نزد بانکهای کشور چندین برابر سرمایه تجدیدنظر شده بانکها می‌باشد و مدیران بانکهای کشور بیش از آنچه که در قبال صاحب سهم خود (دولت) مسئولیت داشته باشند در قبال سپرده‌گذاران مسئولیت دارند، بنابراین پیشنهاد می‌شود منافع مردم و مشتریان در اولویت قرار داده شود و از طریق سوق دادن منابع بانکی به مصارف مورد نیاز جامعه و سودآور منافع اجتماعی در مد نظر قرار گیرند.

۱۸ - قبل از اتمام دهه نود میلادی با توافق بین‌المللی (Basle Accord)^۱ در سیستم بانکی مجموعه‌ای از مقررات بین‌المللی حاکم خواهد شد که به نوعی بر سلامت در کنار بازدهی افزایش کیفیت دارائیهای بانکها و سوددهی تأکید دارند. طبق این توافقنامه که از اول سال ۱۹۹۳ قابل اجرا بوده است نسبت سرمایه به دارائی باید حداقل ۸٪ باشد به عبارتی باید حداقل ۸٪ از دارائیها به صورت سرمایه باشد اگر به آمارهای خودمان نگاه کنیم نسبت سرمایه به دارائیها در سال ۶۷ حدود ۱/۱۶٪ و در سال ۷۱ حدود ۱/۱۹٪ بوده است هرچند تغییر این نسبت حاکی از حرکت بهتر بوده است لکن باید توجه داشت که این نسبت بسیار اندک است، لذا پیشنهاد می‌شود دولت افزایش سرمایه بانکها را در سرلوحه کار خود قرار دهد.

۱ - مأخذ سیستم بانکی در دهه ۸۰ و ۹۰ دکتر ارسطو امامی - مجله تحقیقات مالی دانشگاه تهران سال اول شماره ۱ زمستان ۱۳۷۲.

۱۹ - تفاوت نرخ سود در بخشهای مختلف اقتصادی بنا به دلایل شمرده شده از دیدگاه بانکی تا زمانیکه توزیع تسهیلات بر اساس اصول اولیه بانکداری اسلامی نظارت شده باشد کارگشا نخواهد بود حال که در مراحل تعدیل اقتصادی هستیم پیشنهاد می شود با جایگزینی ابزارهای کمکی دیگر به تفاوت نرخ سودها خاتمه دهیم. چون مشخص نیست که آیا برای مثال مشکل اساسی یک کشاورز نرخ سود تسهیلات است یا بذر، کود، سم، قطعات یدکی، آب، زمین و غیره و یا مشکلات یک صادرکننده ناشی از نرخ سود بالای تسهیلات بانکی است یا قوانین و مقررات و نرخ ارز.

منابع و ماخذ

- ۱ - بانک مرکزی ایران، گزارشات اقتصادی و ترازنامه سالهای ۱۳۳۴، ۱۳۴۱، ۱۳۴۶، ۱۳۵۱، ۱۳۵۶
- ۲ - برنامه های عمرانی اول تا پنجم، سازمان برنامه و بودجه
- ۳ - رزاقی - دکتر ابراهیم، الگوئی برای توسعه اقتصادی ایران نشر توسعه ۱۳۶۹
- ۴ - کانون بانکها، بررسی آماری رویدادهای مهم بولی و اعتباری کشور طی برنامه عمران سوم و چهارم - مجله کانون بانکها شماره ۴۰، تهران ۱۳۵۲
- ۵ - قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج ۱۰۱ مصوب ۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی - نشر سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۸
- ۶ - قانون عملیات بانکی بدون ربا، مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۲
- ۷ - قوانین بودجه کل کشور سالهای ۶۸ الی ۷۲ سازمان برنامه و بودجه
- ۸ - بانک مرکز ج ۱۰۱، گزارشات اقتصادی و ترازنامه های مربوط به سالهای ۶۷ الی ۱۳۷۰
- ۹ - بانک مرکزی ج ۱۰۱، نشریه پیام بانک، مرداد ۱۳۷۳ شماره ۳۸
- ۱۰ - بانک مرکزی ج ۱۰۱، خلاصه تحولات اقتصادی مربوط به سالهای ۶۸ الی ۱۳۷۱
- ۱۱ - هارلن ام - اشیفث، مبادی پول و بانکداری - ترجمه و با حواشی نصراله وقار، مؤسسه علوم بانکی ۱۳۵۴
- ۱۲ - شهسانی، الگوی اقتصادسنجی ایران و کاربردهای آن
- ۱۳ - سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۷۱، مرکز آمار ایران، دی ۱۳۷۲
- ۱۴ - توتونچیان - دکتر ایرج، تحلیل مقایسه ای حد بهینه سرمایه گذاری در دو نظام بانکداری سرمایه داری و اسلامی در شرایط ریسک و اطمینان، مجله اقتصاد و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی شماره ۱۴ پائیز ۱۳۷۱
- ۱۵ - گلریز - دکتر حسن، حسابداری اقتصادی، انتشارات پیشبرد تهران ۱۳۶۷

- ۱۶- توتونچیان - دکترایرج، تحلیل مکانیسم سهم سود در بانکداری اسلامی، گزارش دومین سمینار مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی اسفند ۱۳۶۹
- ۱۷- توتونچیان - دکترایرج، مدل پویای اقتصاد کلان اسلامی گزارش سومین سمینار مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی اردیبهشت ۱۳۷۲
- ۱۸- شیوا - دکتررضا، و جلالی نائینی - دکتراحمد، سیاست پولی، تولید و تورم در ایران گزارش سومین سمینار، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی اردیبهشت ۱۳۷۲
- ۱۹- هدایتی - دکترعلی اصغر، سفری - علی اصغر، کلهر - حسن، عملیات بانکداری داخلی ۲ «تخصیص منابع»، مرکز آموزش بانکداری ۱۳۶۷
- ۲۰- هدایتی - دکترسیدعلی اصغر، نقش استقلال بانک مرکزی، گزارش اولین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی ۱۳۶۹
- ۲۱- مهدوی نجم آبادی - دکترحسین، پایه های اساسی و خصوصیات ویژه بانکداری اسلامی در ایران، جزوه درسی - مرکز آموزش بانکداری ۱۳۶۸
- ۲۲- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مجموعه بررسیهای بازرگانی داخلی (تهران - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۶۶)
- ۲۳- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، اقتصاد ایران، واحد تحقیقات بازرگانی تهران ۱۳۷۱
- ۲۴- مجلس و پژوهش، برنامه دوم کشاورزی و پیشنهاد برای استفاده بهینه از منابع نشریه مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۱ سال دوم، تهران ۱۳۷۳
- ۲۵- تفضلی - دکترفریدون، اقتصاد کلان، «نظریه و سیاستهای اقتصادی» - نشر نی ۱۳۶۶
- ۲۶- میرزاباقری - دکترفتح اله، و حبیبی - دکترنادر، نقش ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی در استقلال بانک مرکزی، گزارش سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی ۱۳۷۲
- ۲۷- امامی - دکترارسطو، سیستم بانکی جهان در دهه ۸۰ و ۹۰ فصلنامه علمی و پژوهشی تحقیقات مالی شماره ۱ - دانشگاه تهران ۱۳۷۲